

سهم سیدعلی همدانی در انتقال فرهنگ ایران و اسلام به شبه‌قاره هند و پاکستان و ستم‌ستیزیهای او

رضا مصطفوی سبزواری*

چکیده

سید علی همدانی اگرچه در ایران شهرت زیادی نیافته اما در شبه‌قاره هند و پاکستان بویژه در میان مسلمانان شهرت بسیار زیادی دارد. او سرمشق فضیلت و اسلامیت و انسانیت بوده است. آثار شاه همدان که شامل حدود ۱۱۰ کتاب و رساله و مجموعه شعر است بر روی هم از او یک چهره فرهنگی و دینی نمودار ساخته که حدود یک سوّم عمر خود را در مسافرت و جهانگردی گذرانیده و بیشتر این مسافرتها جنبه تبلیغی و ارشادی و تعلیمی داشته است.

نامه‌های سیدعلی که بیشتر به قصد ارشاد حاکمان و فرماندهان آن زمان نگارش یافته، ضمن اینکه دربردارنده اطلاعات ذیقیمتی از آن روزگار است، نمونه‌هایی از ترسل و نامه‌نگاری آن روزگار نیز محسوب می‌گردد.

سیدعلی شرحی بر تعدادی از اشعار و نیز بعضی مصطلحات خواجه حافظ نوشته و هم با خواجه حافظ ملاقات داشته و از این جهت شرح او نزدیکترین شرحها به زمان حافظ است. شاه همدان در انتقال فرهنگ ایران و اسلام به شبه‌قاره و کشمیر نقش بسیار مؤثری داشته است.

کلیدواژه: انتقال فرهنگ ایران و اسلام، کشمیر، شبه‌قاره هند و پاکستان، ستم‌ستیزی، مقاصد تعلیمی، انتقاد از حاکمان، سیدعلی همدانی.

*. استاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران (دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی).

عیب است بزرگ برکشیدن خود را وز جمله خلق برگزیدن خود را
از مردمک دیده ببايد آموخت دیدن همه کس را و ندیدن خود را
(سید علی همدانی)^۱

میرسیدعلی همدانی روز دوشنبه دوازدهم رجب سال ۷۱۴ ه.ق در همدان تولد یافت.^۲ در طول سالهای ۷۳۴ تا ۷۵۳ به سیاحت در ممالک اسلامی و همجوار پرداخت و سپس در زادگاهش به تبلیغ اشتغال ورزید. به سال ۷۶۰ به ختلان^۳ مهاجرت کرد و همزمان، دو تن از معتمدان خود را نیز به قصد تبلیغ به کشمیر فرستاد. در سال ۷۷۳ در ماوراءالنهر با امیر تیمور ملاقات کرد و او را پند و اندرز و هشدار داد تا از خونریزیهایش دست بدارد. تیمور سید را به قتل تهدید کرد^۴ و در نتیجه سیدعلی به سال ۷۷۴^۵ با گروه سادات خود به کشمیر مهاجرت کرد.^۶ تاریخ وفات او را روز چهارشنبه ۶ ذی حجه ۷۸۶ نوشته‌اند.^۷ و گفته‌اند که جنازه‌اش را مریدانش به ختلان (کولاب فعلی) در تاجیکستان انتقال داده‌اند.^۸ سید علی را باید یکی از بزرگترین و مؤثرترین بانیان کاخ رفیع فرهنگ ایران و اسلام و زبان ادب فارسی در خطه پهنای هند و ختلان دانست. او با تأسیس مدارس و خانقاههای زیادی در کشمیر و ختلان سبب گردید تا فرهنگ ایران زمین در آن خطه رواج یابد. خانقاه معلی یا مسجد شاه همدان و محل تدریس و تعلیم سید علی با معماری خاصی که دارد نزدیک سرینگر کشمیر و در کنار رودخانه جهلم هنوز باقیست.^۹

او در ختلان و سپس کشمیر کتابخانه ساخت و کتابهای خود را به آنجا انتقال داد. با توجه به این نکته که نوشته‌اند: سلطان قطب الدین که خود هم شاعر بود و هم علاقه‌مند به زبان و ادب فارسی و هم بانی یک مدرسه بزرگ، از کتابخانه او در کشمیر دیدن کرده و نیز در مکان یاد شده کتابداری مخصوص به نام سید محمد قاضی داشته و همچنین پس از فوت سید کسی به نام ملا احمد امور کتابخانه او را به عهده گرفته بوده، معلوم می‌گردد که می‌باید هم تعداد کتابها و هم ارزش و کیفیت آنها در خور توجه بوده باشد^{۱۰} و در انتقال فرهنگ ایران و اسلام بسیار مؤثر.

پادشاهان وقت کشمیر: سلطان شهاب‌الدین (۷۵۵-۷۷۵) و برادرش قطب‌الدین (۷۷۵-۷۹۶) برای شخصیت این ایرانی دانشمند و لاتبار احترام خاصی قائل بودند و این حرمت و بزرگداشت آنان به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» سبب می‌گردید تا

عموم مردم نیز نسبت به ایران و ایرانی که او نمونه آنان معرفی شده بود، دیدی احترام‌آمیز و تا اندازه‌ای شایسته فرهنگ و تمدن ایران بیابند.

از سویی دیگر سید علی، نفوذی در پادشاهان وقت کشمیر ایجاد کرده بود و سبب می‌گردید تا بتواند نصایح ارزنده و سازنده خود را نیز به آنان ابلاغ کند و مقبول طبعشان افتد و از این رهگذر نیز فرهنگ ایران زمین و آنچه قدما آن را قسمی از «حکمت عملی» و به اصطلاح «سیاست مدن»^{۱۱} تعبیر می‌کردند در آن سرزمین‌های دور دست و خارج از محدوده ایران ترویج می‌گردید. او در کتاب تذکره‌الملوک که در ایران مشهورترین کتاب اوست و مدتها نیز در خطه پهناور هند و بخصوص کشمیر کتاب درسی بوده^{۱۲} شرایط حکومت و پادشاهی را ده چیز می‌داند و از آن جمله می‌گوید:

شرط اول آنست که در واقعه‌ای که پیش آید پادشاه و حاکم خود را در آن واقعه یکی از رعایا تصور کند و دیگری را بر خود حاکم بیند و در آن حال هر حکم که از دیگری بر خود روا نمی‌دارد، مثل آن از خود بر دیگری روا ندارد^{۱۳}

و یا مثلاً در شرط چهارم می‌گوید:

آنکه در حکم سخن به مدارا گوید و بی‌موجب درستی نکند و از شنیدن حجت بسیار ملول نگردد و از سخن گفتن با ضعیفان و مسکینان ننگ ندارد.^{۱۴}

در شرط نهم به حاکمان سفارش می‌کند که:

از تجسس خیانت نواب و ظلم عمال غافل نباشد و گرگ سیرتان ظالم را بر رعایاء مظلوم مسلط نکند و چون ظلم و خیانت یکی از ایشان ظاهر شود، او را به مواخذه و عقوبت، عبرت دیگران گرداند و در سیاست پادشاهی مساهلت روا ندارد.^{۱۵}

سیدعلی در دیگر کتابها و رساله‌های خود نیز که تعداد آنها را تا صد و ده^{۱۶} برشمرده‌اند، گاه و بیگاه به تبلیغ فرهنگ ایران و بخصوص مسایل اخلاقی و تربیتی و زیربنایی و انسانی جامعه مسلمان ایرانی می‌پردازد. در کتاب فتوت‌نامه‌اش که نثری بنسبت روان و ماندنی دارد، می‌نویسد:

ای عزیز «اخی» باید به مکارم اخلاق موصوف بود و به خصایل پسندیده آراسته باشد: با پیران به حرمت باشد و با جوانان به نصیحت، با طفلان به شفقت، با ضعیفان به رحمت، با درویشان به بذل و سخاوت، با علما به توقیر و حشمت، با ظالمان به عداوت، با فاجران به اهانت، با خلق به احسان و مروت، با حق به تضرع و استعانت، با نفس به جنگ، با خلق به صلح، بر جفای خلق متحمل، در

وقت مصائب صابر، در حالت رجا شاکر، به عیوب نفس خود عارف، از ذکر عیوب خلق ساکت...^{۱۷}

سیدعلی در مسافرتهايش به خطه شبه‌قاره و سایر بلاد رسالتی را هم که برای ابلاغ دین مبین اسلام به عهده داشت، به نحو احسن به انجام رسانید، مورخان گفته‌اند ۳۷ هزار تن از هندوان و بودائیان عاشق او و یاران تربیت یافته او مسلمان شدند که نام این همکاران تبلیغی او در خزینة‌الاصفیا آمده است.^{۱۸}

سید نه تنها در زمینه انتقال کتب فارسی به ختلان و کشمیر موفق گردید که بنا به گفته اقبال لاهوری با ترویج «هنرهای غریب و دلپذیر» و دادن «علم و صنعت» به کشمیریان، از خطه کشمیر «ایران صغیر»^{۱۹} آفرید و بعضی هنرها و صنایع ایرانی از قبیل قالی بافی، کلاه بافی و غیره را نیز بدان سرزمین انتقال داد.^{۲۰}

رفتار و کردار و خدمات و آموزشهای اخلاقی و انسانی سید علی به عنوان یک ایرانی مسلمان چنان محبوبیتی از او در میان توده‌های مردم کشمیر بوجود آورد که به او لقب‌هایی چون «امیرکبیر»، «علی ثانی»، «شاه همدان»، «حواری کشمیر» داده‌اند و نوشته‌اند:

اکنون جای وعظ و تدریس وی در کشمیر مورد احترام و تکریم است. مسلمانان کشمیر در جایی که وی برای موعظه و ارشاد می‌نشست بنای یادبودی درست کرده‌اند و آن محل را زیارت می‌کنند. روز عاشورا هنگامی که دسته‌های عزاداری حضرت امام حسین (ع) از آن محل عبور می‌کند، پرچم‌های خود را به احترام فرود می‌آورند. مقام معنوی این سید بزرگوار به اندازه‌ای در دلها نفوذ کرده که قایق‌رانان رودهای کشمیر هنگامی که از پارو زدن خسته می‌شوند، از روح بزرگ سید استمداد می‌کنند و فریاد می‌زنند: «یا شاه همدان!!!»^{۲۱}

سید علی ستم‌ستیز بود و در برابر مفسد اجتماعی از پای نمی‌نشست. حکام و پادشاهان وقت را به رعایت مقررات و قوانین دینی و انسانی و عدالت و دادگری فرا می‌خواند. نامه‌ای که به سلطان قطب‌الدین پادشاه کشمیر نوشت چنین آغاز می‌گردد:

حضرت سلطان اصلح‌الله شأنه به دعای مخلصانه مخصوص است به اجابت

مقرون باد.

و بعد از عنوان می‌نویسد:

ای عزیز... اگر دین‌داری آنست که صحابه و تابعین داشتند و مسلمانی آنکه

در قرن اول ورزیدند جای آنست که گبران و مغان از تردامنی ما ننگ دارند و جهودان بی مقدار این مسلمانی ما را به این اعتقاد زور به کاه برگی برندارند. و سپس همانجا در خطاب به سلطان می گوید:

ای عزیز حرام مخور و ضعیفان را محروم مگردان.^{۲۲}

سید در این نامه‌ها به پادشاهان هشدار می‌دهد که روز قیامت از مردم عوام درباره نماز و دیگر فرایض آنها می‌پرسند ولی از حاکمان و پادشاهان ابتدا درباره دادگریها و عدالتشان سؤال خواهد شد. از مجموعه نامه‌های بازمانده از سید علی چنین بر می‌آید که هدف او از نگاشتن آنها ارشاد و راهنمایی امرا و سلاطین و حکام وقت بوده و همچنین معلوم می‌گردد که سید تا چه اندازه بی‌باک و نترس و ستم‌ستیز بوده؛ در نامه‌ای به سلطان غیاث‌الدین می‌نویسد:

امروز جاهلان مفتن که احوال ایشان را به کرات و مرآت دانسته‌اند و تحقیق کرده و به مکابره و بی‌شرمی اجتماع کرده‌اند و این حد جرأت ایشان نیست تا از اجابت آن عزیز تقویت نباشد. اگر خاطر عزیز آن می‌خواهد که اهل این دیار به این ضعیف آن کنند که یزید کرد با حسین (رض)، سهل است که ما این جفاها را سعادت خود می‌دانیم، این ضعیف را به حضرت صمدیت عهدیست که اگر جمله زمین آتش گیرد و از آسمان شمشیر بارد آنچه حق باشد نپوشد و به جهت مصلحت فانی، دین به دنیا نفروشد...^{۲۳}

در نامه دیگری به سلطان علاء‌الدین می‌نویسد:

بر حاکم و پادشاه واجب است که از خطر عهده حکومت بیندیشد و تقلد امور بندگان حق را آسان نشمرد و آثار نتایج مرضی و نامرضی را خوار ندارد...^{۲۴}

سید در راه مقاصد تعلیمی و تبلیغی خود حتی در برابر جهانگشایی خونریز از ستیهندگی و ستم‌ستیزی و مبارزه دست بر نمی‌دارد: نوشته‌اند وقتی به دستور امیر تیمور سید علی همدانی را برای ملاقات با او حاضر می‌کنند، چون تیمور شنیده بود که سید هیچ موقع پشت به کعبه نمی‌نشیند، عمداً او را پشت به کعبه نشانند و گفتم شنیدم تو پشت به کعبه نمی‌نشینی! امروز چطور پشت به کعبه نشست؟ سید گفت: «هر که رو به شما کند بی‌شک پشتش به کعبه خواهد بود»^{۲۵} نیز نوشته‌اند:

تیمور گفت: شنیده‌ام برای کسب قدرت می‌کوشی. سید گفت: من به دو جهان اعتنایی ندارم... درباره سلطنت شیعی در خواب دیدم که «سگ لنگی» آمد و آن را در ربود. ما روی به آخرت داریم. دنیا را طالب نیستیم. خاطر جمع دار.^{۲۶}

سید علی منتقدی است ستیهنده و ستم‌ستیزی است کوبنده و بر این باورست که:
 از سیل چو کوه سر مگردان سیلی خور و روی بر مگردان
 خاک تو شده جهان هستی چون خاک مکن جهان پرستی^{۲۷}

اعتراض و انتقاد سید علی فقط به حاکمان و پادشاهان منحصر نمی‌گردد که به عالمان ریایی و دنیا طلب نیز می‌تازد و آنان را به باد انتقاد می‌گیرد. در رساله مختصری که درباره فضایل علمای دین تحت عنوان فی علماء الدین نگاشته، می‌گوید: «عالمان واقعی آنهایی هستند که ظاهر و باطنشان یکی است نه آن گروه که از اطلاعات جزئی کمی آگاهی پیدا کرده‌اند و در دنیا طلبی و دسیسه‌کاری‌ها محو و غرق می‌باشند.»^{۲۸}

سید علی از راه سرودن اشعار عرفانی خود نیز دل ارباب ذوق و معرفت را می‌شگرد و شعر گویی او نیز در حقیقت راهی دیگر برای ترویج اندیشه‌های عارفانه او محسوب می‌گردد. مجموعه غزلیاتش چهل اسرار یا گلشن اسرار نام دارد و تخلصش «علی» یا «علایی» است. گرچه بر روی هم حدود پانصد بیت در قالب غزل و قصیده و رباعی بیشتر به دست ما نرسیده، اما همین تعداد اندک در راه مقاصد اصلاح طلبانه و رهنمودهای جامعه آن روزگار بسیار مؤثر می‌افتاده است. و سید جذبات درونی و حالات روحی خود را نیز در لباس همین اشعار لطیف به شنوندگان خود منتقل می‌کرده است.^{۲۹}

ارباب ذوق در غم تو آرمیده‌اند از شادی و نعیم دو عالم رمیده‌اند
 و یا
 راحت آر خواهی بیا با درد او همراز تو
 دولت ار جویی برو در عشق او جانباز شو^{۳۰}

پی‌نوشت‌ها و مآخذ

۱. ر.ک: نسخه خطی شماره ۲ کتابخانه ملک به نقل مجله یغما شماره ۸ آبان ماه ۱۳۳۰ ص ۳۳۹، نیز: احوال و آثار میرسید علی همدانی (یا شش رساله او)، تألیف دکتر محمد ریاض ای، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ج دوم ص ۴۸۱.
۲. عبارت: «رحمة الله» را به حروف ابجد تاریخ ولادت او دانسته‌اند: ر.ک: کثیر (Kashir) یک تألیف غلام محی‌الدین صوفی (انگلیسی)، ج لاهور، ۱۹۴۹، ص ۸۵.
۳. ولایتی از بدخشان در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند که امروزه «کولاب» نام دارد و جزو تاجیکستان است.

۴. مأخذ شماره: (۲) ج یک ص ۸۴.
۵. در مورد مهاجرت سید به کشمیر ماده تاریخ زیر در کتابهای تاریخ کشمیر نقل گردیده است:
- میر سید علی شاه همدان سیر اقلیم سبعه کرد نکو
 شد مشرف ز مقدمش کشمیر اهل آن شهر را هدایت جو
 سال تاریخ مقدم او را یابی از «مقدم شریف» او
۶. علت مهاجرت سید را میرزا اکمل الدین کامل بیگ بدخشانی به نقل دکتر محمد ریاض چنین به نظم آورده:

- گر نه تیمور شور و شر کردی کی امیر این طرف گذر کردی
۷. در کتاب نقش پارسی بر احجار هند تألیف استاد علی اصغر حکمت، ج کلکته (ایران سوسائیتی، ۱۳۳۶ شمسی) رباعی زیر به عنوان ماده تاریخ فوت سید آمده، که مؤید تاریخ بالاست:
- حضرت شاه همدان کریم آیه رحمت ز کلام قدیم
 گفت دم آخر و تاریخ شد بسم الله الرحمن الرحیم
- ر.ک: مأخذ یاد شده، ج ایران سوسائیتی، کلکته ۱۳۳۶ شمسی (= ۱۹۵۷ م) ص ۴۶.
۸. ر.ک: تحایف الابرار ص ۲۳. نیز نفحات الانس جامی، از انتشارات کتاب فروشی محمودی، به تصحیح مهدی ترخید پور، ص ۴۷-۸.
۹. «تمام این بنا از قطعات چوب ضخیم و مکعب است که بر روی هم مانند خشت نصب کرده‌اند و در وسط آن بنا، تالار وسیع مربعی قرار دارد و گویند آنجاست که میرسیدعلی نماز می‌گزارده» ر.ک: نقش پارسی بر احجار هند، ص ۴۵.
۱۰. ر.ک: واقعات کشمیری، ص ۴۳.
۱۱. ر.ک: اخلاق ناصری تألیف خواجه نصیر طوسی به تصحیح استاد مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶، تهران.
۱۲. ر.ک: کشمیر، ج یک، ص ۹۱.
۱۳. تذکره الملوک، از انتشارات دانشگاه تبریز، آبان ۱۳۵۸ ص ۲۵۳.
۱۴. مأخذ اخیر، ص ۲۵۴.
۱۵. مأخذ اخیر، ص ۲۵۸.
۱۶. تحایف الابرار، ج یک، کتابها و رساله‌های سید را صد و هفتاد دانسته است.
۱۷. فتوت‌نامه به تصحیح محمد ریاض خان، استاد دانشگاه پنجاب، به نقل مجله معارف اسلامی، شماره ۱۱، خرداد ماه ۱۳۴۹ ص ۳۷.
۱۸. ر.ک: ج ۲ آن کتاب ص ۲۵۹-۲۰۷.
۱۹. علامه اقبال لاهوری می‌گوید:
- سید آن کشور مینو نظیر میرو درویش و سلاطین را مشیر
 جمله را آن شاه دریا آستین داد علم و صنعت و تہذیب و دین
 آفرید آن مرد ایران صغیر با هنرهای غریب و دلپذیر
- دیوان اقبال، انتشارات پگاه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۹۳.

۲۰. تحایف الابرار، ص ۲۳.
۲۱. ر.ک: مجله معارف اسلامی شماره ۵، فروردین ۴۷، ص ۷۶.
۲۲. احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی، دکتر محمد ریاض، ج دوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ص ۱۲۲.
۲۳. مأخذ اخیر، ص ۱۲۳.
۲۴. مأخذ اخیر، ص ۱۲۴.
۲۵. مأخذ اخیر، ص ۴۱-۴۰.
۲۶. مأخذ اخیر، ص ۴۱.
۲۷. مأخذ اخیر، ص ۳۰۸.
۲۸. مأخذ اخیر، رساله «فی علماء الدین» ص ۱۸۹.
۲۹. ر.ک: احوال و آثار و اشعار، ص ۲۲۰.
۳۰. مأخذ اخیر و همان صفحه.

پاره‌ای دیگر از مأخذ مقاله

۱. ذخیره الملوک، تألیف میرسیدعلی همدانی به تصحیح دکتر انواری، انتشارات دانشگاه تبریز، آبان ۱۳۵۸.
۲. دیوان اقبال لاهوری، انتشارات پگاه، تهران چاپ دوم ۱۳۶۲.
۳. سرزمین هند، نگارش علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۳۷ شمسی، دانشگاه تهران.
۴. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، استاد سعید نفیسی، انتشارات فروغی، تهران ۱۳۶۳.
۵. نفحات الانس من حضرات القدس، تألیف مولانا عبدالرحمن جامی به تصحیح مهدی توحیدی پور، از انتشارات کتاب فروشی محمودی، ۱۳۳۶ شمسی.
۶. مجله یغما، دوره‌های مختلف از جمله سال ۱۳۳۰ شماره‌های ۶ و ۸.
۷. مجله معارف اسلامی، دوره‌ها و شماره‌های مختلف از جمله شماره‌های ۵، ۶، ۱۱، ۱۳، ۲۳.
۸. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ها و دوره‌های مختلف.
۹. مجله ارمغان، سال دهم، «ادبیات و هندوستان»، سعید نفیسی.
۱۰. تحایف الابرار، ج هند.
۱۱. فتوت‌نامه میرسیدعلی همدانی به تصحیح محمد ریاض خان استاد دانشگاه پنجاب.
۱۲. تاریخ کشمیر *History of Kashmir*، تألیف دکتر راضیه بانو، ج ۱۹۹۱ دهلی.
۱۳. تحقیق ماللهند، تصنیف ابوریحان بیرونی، ترجمه منوچهر صدوقی سهاء موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی شماره ۵۲۱.
۱۴. خزینة الاصفیا، مولوی صاحب لاهوری مختلص به سرور، تألیف ۱۲۸۱ ق، چاپ لکهنو، ۱۲۹۰ سنگی - وزیری.
۱۵. واقعات کشمیر یا تاریخ اعظمی، محمد اعظم دیده‌مری کشمیری، مختلص به اعظم، تألیف ۱۱۴۸ هـ، چاپ لاهور، مطبع محمدی، ۱۳۰۳ هـ به نام تاریخ کشمیر اعظمی.